

الگوپذیری از رجزهای امام حسین علیه السلام و یارانانشان در عاشورا

فاطمه اباذرپوری^۱

doi 10.61186/HAS.2021.385

چکیده

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی، روش الگویی است. در اسلام نیز به مسئله پیروی از الگوها توجه ویژه شده است. بهترین افراد در اسلام برای سرمشق قرار دادن ائمه اطهار علیهم السلام هستند که به عنوان امام و اسوه معرفی شده‌اند. برای الگوگیری حماسی نیز بزرگ‌ترین واقعه حماسی عاشورا است. یکی از جلوه‌های حماسه عاشورا رجزخوانی است که این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به مسئله الگوپذیری حماسی از رجزهای عاشورا می‌پردازد. این مبحث شامل دو بخش رفتاری و گفتاری است که این مقاله به بخش گفتاری رجزها در عاشورا نظر دارد. با بررسی در منابع مرتبط با موضوع این نتیجه حاصل شد که بیشترین رجزخوانی در عاشورا مربوط به یاران امام حسین علیه السلام است که به حقانیت خود یقین داشتند. مهم‌ترین رجزها بیشتر در حوزه‌های ایجاد ترس در دشمن، معرفی خود و رهبر، تبیین عقاید و بیان هدف و عاقبت کار هستند که دارای قابلیت الگودهی در زمینه آزادگی، حق‌طلبی، دلیری و سایر صفات حماسی در قالب اثرگذار و ماندگار شعر همراه با ریتم قوی هستند که منتقل‌کننده پایداری در دفاع از اسلام و ارزش‌های انسانی برای همه نسل‌ها در همه عصرهاست.

واژگان کلیدی: عاشورا، امام حسین علیه السلام، یاران امام حسین علیه السلام، رجزخوانی، حماسه، الگوپذیری.

۱. دانش‌پژوه سطح چهار رشته تفسیر تطبیقی، مؤسسه آموزش عالی حضرت خدیجه علیها السلام بابل، حوزه علمی قم،

امروزه تأثیر الگوها در تربیت امری شناخته شده است؛ تا حدی که تأثیر الگوها در شکل بخشیدن به اندیشه های جوانان و موجه ساختن ایده آل های یک جامعه انکارناپذیر هستند. شاید تنها دسته ای که می توان از این بحث خارج کرد افرادی هستند که به نوعی از دقت و مرکزیت فکری برخوردار هستند (میرابوالقاسمی، بی تا: ۲۸). اسلام به نقش مهم و سازنده الگوها در تربیت افراد توجه دارد و به افراد ممتازی که دارای موقعیت خاص اجتماعی هستند و می توانند برای سایر افراد به عنوان الگو و سرمشق پذیرفته شوند سفارش می کند که رفتار و سیره خود را اصلاح کنند (امینی، ۱۳۸۷: ۴۰۰)؛ چراکه هر فرد تحت تأثیر کمال خواهی خویش به انتخاب الگو و تبعیت رفتاری می پردازد که ریشه در کمال خواهی فطری در جهت شکوفایی استعدادها دارد (عباسی مقدم، ۱۳۷۰: ۲۲). قرآن همگام با فطرت انسان به معرفی بهترین الگوهای جهانی و جاودانه برای سرمشق گیری در همه زمینه ها پرداخته است:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ﴾ (ممتحنه، ۴)؛ «قطعا برای شما در [روش] ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشقی نیکو است»

قرآن کریم دو مرتبه از ابراهیم و یارانش به عنوان «اسوه» یاد می کند. در سوره های دیگر، از جمله سوره احزاب نیز شخص پیامبر ﷺ به عنوان بهترین الگو و اسوه برای مسلمانان معرفی و همه به پیروی از ایشان فراخوانده می شوند. وجود الگوها و سرمشق های بزرگ در زندگی انسان ها وسیله مؤثری برای تربیت آنها بوده است؛ به همین دلیل پیامبر ﷺ و پیشوایان معصوم  که زیباترین الگوهای هدایتی هستند سخن و عمل و سکوت ایشان برای پیروان حجت و راهنماست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۴، ۲۴).

در الگوگیری یکی از حماسی ترین وقایع در تاریخ اسلام واقعه عاشورا است که حاوی مؤلفه های پایداری، مقاومت، صبر، استقامت، وفای به عهد، ولایت پذیری و مفاهیم ارزشمند دینی است. برای الگوپذیری از این واقعه باید رفتارها و گفتارهای روز عاشورا را مدنظر قرار داد تا بتوان از آن الگوبرداری کرد. از این میان شعرها می توانند تجلی زیبایی از شناخت الگوهای گفتاری اثرگذار در مخاطب باشند. تصویرپردازی در اشعار یکی از

مباحث زیبایی‌شناختی و اثرگذار کلام است که همواره مورد توجه اهل فن بوده است. اهمیت شعر تا حدی است که شعردرمانی یکی از روش‌های درمان افسردگی است؛ هرچند اثر آن در افسردگی مردان بهتر است و در زنان در ایجاد خوش‌بینی اثر بهتری دارد. قدرت شعر تا حدی است که می‌تواند حس سلحشوری را تقویت و در جامعه هم‌بستگی ایجاد کند (حاتم‌پور و پورحسن، ۱۳۹۷: ۶۸). نمونه الگوپذیری از رشادت‌های عاشورا به‌وسیله رجز و شعر به‌قصد بالابردن روحیه مقاومت و تشویق رزمندگان در اشعار دفاع مقدس مشاهده می‌شود.

رجزخوانی که گونه‌ای از شعر است معمولاً در لحظات ورود مبارز به میدان جنگ و در نزدیک‌ترین زمان احتمالی شهادت و نزدیک شدن به خدا صورت می‌گیرد؛ حالتی که بهترین وسیله در کشف نوع تفکرات و احساسات واقعی شخص است. برای الگوگیری یکی از بهترین رجزهای جنگ مربوط به رجزهای یاران پاک امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا است که می‌تواند برای الگوبرداری تربیتی مورد توجه قرار گیرد.

توجه به رجزهای امام حسین (علیه السلام) و یارانش دارای جنبه‌های ارزشی زیبایی‌شناختی بسیاری است؛ زیرا غالب این رجزها برگرفته از آموزه‌های قرآن هستند. نوع پردازش موضوع در رجزهای عاشورا تأثیر فراوانی در بیان قدرت و تقویت نیروی خودی و تضعیف قوای دشمن داشته و در انتقال پیام‌های دینی، اخلاقی، انسانی و تعلیمی نیز نقش مؤثری دارد. زیرا کاربرد نوع مفاهیم در رجز، علاوه بر نشان دادن شجاعت و قدرت فصاحت و بلاغت، بیانگر عقاید و معرف شخصیت افراد و... است (بصری و یحیی‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۱).

بحث رجزهای عاشورا در برخی کتب مطرح شده‌اند؛ از جمله کتاب مردان و رجزهایشان نوشته سیدمهدی شجاعی (۱۳۹۷) که توضیح و شرح حال مختصری درباره صاحبان رجزهاست. کتاب ترجمه و شرح رجزهای عاشورا تألیف ابوالحسن ربانی‌تبار (۱۳۹۵) مشتمل بر شعارها و پیام‌های حماسی و شورانگیز شهیدان کربلاست. همچنین کتاب بررسی تطبیقی رجز در شاهنامه و شعر دفاع مقدس نوشته فرهاد محمدی و محمدرضا سنگری (۱۳۹۸)، مقاله «سیری در رجزها و شعار عاشورائیان» نوشته ناصر رفیعی (۱۳۹۸)، مقاله «نگاهی به رجزهای اصحاب عاشورا و اهداف آن‌ها» نوشته مرتضی موسوی (۱۳۹۶)، مقاله «تحلیل کارکرد ارتباطی رجزهای یاران امام حسین (علیه السلام) در قیام

عاشورا» نوشته علی وحیدی و محسن الویری (۱۳۹۵) و مقاله «بررسی مضامین مقاومت و پایداری در رجزهای عاشورا» نوشته جواد فرامرزی و میثم خلیلی (۱۳۹۷) است؛ اما در هیچ کدام مبحث الگوپذیری از مضامین رجزها در روز عاشورا بیان نشده است.

ادبیات پایداری، القاکننده حس امید و بشارت و... در نسل حاضر و نهادینه کردن ارزش‌های والا در نسل آینده است. رجزهای عاشورا زیباترین عرصه نمایش مفاهیم ارزشی در جهت آگاهی‌بخشی برای الگوبرداری به جهت رسیدن به خودباوری و پیروی از رهبر حق و داشتن هدف والاست.

۱. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی نیاز است تا برخی مفاهیم بررسی شوند تا معنای درست واژه‌ها تبیین شده و از خلط مباحث جلوگیری شود.

۱.۱. الگو و الگوپذیری

«الگو» در لغت به معنای نمونه (عمید، ۱۳۸۱: ج ۱، ۲۶۵)، مدل، سرمشق، مقتدی، اسوه، قهرمان و... آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۲، ۲۷۷۹). به عبارت دیگر الگو شخص یا چیزی است که معیار و نمونه برای دیگران یا چیزهای دیگر قرار گیرد. الگوپذیری قبول کردن روش دیگران در رفتار و کار و سرمشق قراردادن آن برای خود است (انوری، ۱۳۸۲: ج ۱، ۵۴۲). الگوپذیری رضایت فرد به یکسان شدن رفتار با کسی است که مورد قبول او قرار گرفته و در جهت هماهنگی رفتاری با اوست (عباسی مقدم، ۱۳۷۱: ج ۱، ۴۳).

به طور کلی روح حساس و کنجکاو افراد همواره در برابر نیکی‌ها، خلاقیت‌ها، هنرمندی‌ها و کارهای فوق‌العاده قهرمانان کرنش می‌کند و ضمن تمجید و ستایش آنان تحت تأثیر کردارشان قرار می‌گیرد و آن‌ها را شایسته پیروی می‌داند. انسان همواره در پی گمشده‌ای می‌گردد و در جستجوی قهرمانانی پرشکوه و پیشوایانی در خور ستایش در تکاپوست. حس قهرمان‌پرستی یکی از موارد تجلی روحی انسان‌هاست که الگوهای ایده‌آل خویش را یافته و زندگی را طبق افکار و کردار آن‌ها تنظیم می‌کند (الهامی‌نیا، بی‌تا: ۱۹۲).

درواقع الگوپذیری، فرایندی است که در آن یادگیری و تولید دوباره یک رفتار بر اساس همانندسازی صورت می‌گیرد که از مقوله‌های مهم در رشد شخصیت انسان است. این فرایند در مراحل اولیه زندگی به صورت انتخابی (ساده و بسیط) و تقلید فردی است. در مراحل بعدی به شکل تأخیری (پیچیده) و تقلید اجتماعی است که مبتنی بر مراحل سه‌گانه‌ای است که از شناخت فرد شروع و سپس به مرحله علاقه‌مندی رسیده و در آخر به مرحله برجسته و معتبر دانستن الگو می‌رسد تا در نهایت به الگوپذیری منجر شود (عباسی مقدم، ۱۳۷۱: ج ۱، ۱۰۶). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز جوانان الگوپذیری است. این روحیه در جوانان به قدری است که گاه بدون تفکر و استدلال صورت می‌گیرد (اکبری، ۱۳۹۰: ج ۱، ۱۰۶). یادگیری از طریق الگوبرداری مؤثرتر از سایر روش‌های آموزشی است. اهمیت الگو به حدی است که یکی از علل ضرورت امامت، لزوم الگوپذیری سالم در علم و عمل است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۸۶). این روش مبتنی بر مؤلفه‌های مرتبط با الگوست که شامل باورمندی، عمل‌گرایی، عشق و محبت، اخلاص و زیبایی‌شناسی کلامی است (فلاح رفیع، ۱۳۹۱: ۳۳ تا ۵۷) که از رجزها به شکل واضحی دریافت می‌شوند.

۲.۱. رجز و رجزخوانی

«رجز» در اصل به معنای اضطراب و انحراف و بی‌نظمی است. این تعبیر به خصوص در مورد شتر، هنگامی که گام‌های خود را نزدیک به هم و نامنظم (به خاطر ضعف و ناتوانی) برمی‌دارد به کار می‌رود (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۴۲). شاید علت این نام‌گذاری، ترس و دلهره‌ای باشد که ممکن است در حریف ایجاد کند و در او احساس ناتوانی را به وجود آورد. البته برخی معتقدند که اطلاق این کلمه به اشعار مخصوص جنگ به خاطر آن است که مقطع‌های کوتاه و نزدیک به هم دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۱۷) که مناسب حالات هیجانی در زمان نبرد است. به همین دلیل آمده است که رجز نام یکی از بحور شعری (اصطلاحی در وزن شعر) است که به هنگام جنگ در مقام خودستایی خوانده می‌شود (عمید، ۱۳۸۱: ج ۲، ۱۲۲۴).

رجزخوانی، خواندن اشعار رجز برای خودستایی و بیان مردانگی و رأفت خود است (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۷، ۱۰۵۰۴؛ انوری، ۱۳۸۲: ج ۴، ۳۵۸۸). رجز از قدیم ابزاری بود که

برای تضعیف روحیه و گاه تحقیر دشمن استفاده می‌شد که معمولاً سلحشوران و پهلوانان آن را در آغاز نبرد با اغراض متفاوت می‌خواندند. رجزخوان‌ها معمولاً رجز خویش را به شعر می‌خواندند و بسیار کم رخ می‌داد که رجز خود را به نثر بخوانند. عمدهٔ آنان اشعار شعرای مشهور عرب را که با حال و وضعشان در میدان رزم تناسب داشت می‌خواندند و برخی که دارای طبع شعر بودند به بداهه در وصف خود و وضع رزم خود شعر می‌سرودند. رجز معمولاً با نام رزمنده و پدر و قبیله‌اش آغاز می‌شد و مرد جنگاور پیشینهٔ مبارزه‌ها و دلیری‌هایش را بازشماری می‌کرد و اگر پیشینهٔ دلیری نداشت گاه سوابق جنگ‌های قبیله یا طایفهٔ خود را یادآور می‌شد. وصف‌الحال از بخش‌های اصلی رجزخوانی بود و همچنین رجزخوان باید موضع خود از علل پیکار و جهت‌گیری سیاسی را به‌صراحت بیان می‌کرد (محدثی، ۱۳۷۴: ۱۸۴). برخی کاربرد ویژهٔ رجز را در جایی می‌دانند که افراد دچار حقارت شده و از عظمت خود غافل هستند (زارع و رضوی، ۱۳۹۰: ۱۷۶). در این معنا، رجزخوانی برای تقویت نیروی خودی نیز کاربرد ویژه دارد.

رجزهای عاشورا، علاوه بر کارکردهای رایج سنتی آن دوران مثل معرفی نسب، مطابق با اهداف امام حسین علیه السلام از قیام عاشورا، دارای کارکرد آگاهی‌بخشی و به‌منزلهٔ یک ابزار تبلیغی و تبیینی برای معرفی جهت‌گیری‌های قیام و رفع شبهات بود (وحیدی فردوسی و الویری، ۱۳۹۵: ۱۶۷). همچنین از ویژگی‌های برجستهٔ رجزهای عاشورا، زبان حماسی و درون‌مایهٔ دینی در آن‌هاست (سیدی و استادی، ۱۳۸۸: ۱۷۱)؛ درواقع، رجز ابزاری روان‌شناختی برای غلبه بر دشمن و همچنین کمکی در نبرد جسمانی بود.

۳.۱. حماسه

«حماسه» در لغت به‌معنای سختی در کار و شجاعت و دلیری است (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۴۲). داشتن روحیهٔ حماسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت در برابر دشمن در شرایط مختلف تهدید و جنگ و پس از مبارزه است که نقش مهمی در بازدارندگی دفاعی دارد (نایینی، ۱۳۹۳: ۲۵). سروده‌های حماسی آغاز جنگ بیشتر به‌قصد تهییج و ترغیب به نبرد و مقاومت بود که مضمونی رجزگونه داشت. این سروده‌ها بیشتر با اهداف قیام عاشورا هماهنگ بود و کارکرد آگاهی‌بخشی و ارتباطی داشت (امیری خراسانی و اکرمی نیا،

۱۳۹۶: ۲۱)؛ هرچند گاهی یک سرود حماسی می‌تواند به اندازه چندین ساعت موعظه در تقویت روحیه اثرگذار باشد (صالحی و گورویی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

۴.۱. عاشورا

«عاشورا» از نظر لغوی از ریشه «عشر» گرفته شده که نامی برای روز دهم محرم است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۲۴۹). عاشورا از نام‌گذاری‌های اسلام است که در عرب جاهلی شناخته شده نبود (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ج ۲، ۷۲۷). عاشورا روزی است که امام حسین علیه السلام و یارانش در آن روز به شهادت رسیدند. یکی از کارکردهای مهم عاشورا پایه‌گذاری حرکتی فرهنگی بود که پدیدآورنده «ادبیات پایداری» سرشار از مضامین دینی است.

۵.۱. ماندگاری عاشورا

رویدادهای تاریخی غالباً، با گذشت زمان از وقوع آن، کم‌رنگ‌تر و بی‌فروغ‌تر می‌شوند و سرانجام جز سایه‌روشنی از آن‌ها باقی نمی‌ماند؛ اما واقعه عاشورا از حقایقی است که نه تنها به فراموشی سپرده نشده است، بلکه تبدیل به نهضتی فرازمانی و فرامکانی شده است که الگو و سرمشقی بزرگ برای انسان‌های آزاده تا امروز است؛ یاران امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اندک بودند؛ ولی روح بزرگ آنان که از ایمان قوی نشئت گرفته بود آن‌ها را به همراه روز عاشورا در تاریخ ثبت و به الگویی ماندگار تبدیل کرد.

عاشورا مهم‌ترین قیام علیه حکومت ستمگر در طول تاریخ است. قدرت تأثیرگذاری قیام عاشورا بی‌نظیر و انکارنشدنی است. در عالم قیام و نهضتی پیدا نمی‌شود که تا این اندازه الگو و اسوه آزادمردان و سبب حرکت و جوشش مبارزان در برابر ظالمان و ستمگران، آن‌هم از زمان وقوع تا عصر حاضر باشد (داودی، ۱۳۸۷: ۳۴). کربلا مملو از درس‌های اخلاقی است که هر حرکت و کلام و حتی نگاهی در آن، شامل نکته‌ها و پیام‌های زیبایی برای رهروان راه است؛ اما نکته جالب آنکه در واقعه عاشورا برای تمام نسل‌ها سرمشقی وجود دارد؛ هرچند در الگوگیری، هم‌سانی ملاک نیست.

۶.۱. آهنگ شعر و رجز

یکی از عوامل اثرگذار بر انسان، آهنگ و نوع موسیقی است؛ نمونه کاربرد آهنگ موسیقی در قرآن آمده است که در برخی سوره‌ها به‌وضوح دریافت می‌شود؛ مانند سوره

عادیات که صحنه نبرد را به تصویر می کشد و از وزن آن ریتم خاص حماسی در موسیقی کلمات دریافت می شود (حسینی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

شعر نیز به دلیل کوتاهی کلمات و حجم مفاهیم بالاتر، در انتقال مفاهیم کاربرد بهتری نسبت به نثر دارد؛ اگرچه می توان صورتی از سرعت بالا با حجم کم در پیام رسانی را در نثر نیز ایجاد کرد؛ اما این ویژگی غالبی شعر، به همراه وزن و تکرارپذیری راحت تر، جذب مخاطب و میزان اثرگذاری مؤثرتری را به وجود می آورد. مهم ترین اثر شعر در تحریک و تهییج قوه خیال مخاطب است که او را از لذت و خوشایندی تصویر به درک مفاهیم و معانی عمیق و پایدار می رساند؛ به همین جهت در معارف اعتباری که برهان و خطابه و جدل کارایی کمتری دارند شعر ارجح است و فهم عمومی در شعر از پذیرش و انفعال بیشتری برخوردار است (سلیمانی دره باغی، ۱۳۹۴: ۶۱).

رجز نیز بیشتر دارای آهنگ و ریتم خاص حماسی است. ترکیب ریتم، به همراه ایجاد موسیقی در متن، موجب ماندگاری بیشتر و تبادر ذهنی بالاتر متن و پیام آن در طول زمان است؛ چیزی که می تواند موجب شورآفرینی در هم ذات پنداری و اثرپذیری در افراد حاضر در صحنه و حتی آیندگان شود.

۲. الگوگیری از انواع رجزها در عاشورا

بنا به شواهد تاریخی معمولاً رجزخوانی در جنگ ها از طرف هر دو سپاه صورت می گرفت؛ چنان که در تاریخ جنگ های صدر اسلام، مانند احد، صفین و... نیز نمونه هایی از آن روایت شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ج ۲، ۳۹۷). آنچه در رجزهای کربلا دیده می شود فراوانی رجزهای امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان است. رجزهایی که از سپاه مقابل ذکر شده اند بسیار ناچیز هستند که خود حکایت از بی ایمانی و سردرگمی لشکر ابن زیاد دارد (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۳۷). از دیگر ویژگی های رجزهای لشکر امام حسین (علیه السلام) آن است که برخلاف رسم جنگ های عرب ایراد شده بود؛ زیرا رجزخوانی در آن ها مخصوص افراد دارای طبقه اجتماعی برتر بود و عوام معمولاً از رجزخوانی بی نصیب بودند (شجایی، ۱۳۸۶: ۱۶)؛ اما رجزهای وارد شده از امام حسین (علیه السلام) و یارانشان هم از خواص و هم از عوام اند. از ویژگی های رجزهای لشکر امام حسین (علیه السلام) آن است که ملاک در آن ارزش های انسانی است که تأکیدی بر برحق بودن سپاه اسلام دارد؛ چراکه

معمولاً رجزها را در جنگ‌های عرب، افراد خاص هر گروه می‌خواندند. برای بررسی رجزها و چگونگی الگوپذیری از آن‌ها ابتدا باید نوع و ویژگی رجزها مشخص تا امکان پیروی از آن‌ها فراهم شود.

۱،۲. رجز خوانی‌های حماسی عاشورا در ترساندن دشمن

یکی از ترفندهای مبارزه با دشمن، رعب‌آفرینی است. خدا در قرآن به کاربرد تأثیر ایجاد ترس در دل دشمنان اشاره می‌فرماید که یکی از امدادهای الهی در کمک به مؤمنان، ایجاد ترس در دل دشمن می‌باشد: ﴿إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَيَّنُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (انفال، ۱۲)؛ «و [به یاد آر] موقعی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم. کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت‌قدم دارید! به‌زودی در دل‌های کافران ترس و وحشت می‌افکنم! ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن [بر سرهای دشمنان] فرود آرید و همه انگشتانشان را قطع کنید.»

حتی به مسلمانان توصیه شده که آمادگی خود را حفظ کرده و به رخ دشمن نیز بکشند: ﴿وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ (انفال، ۶۰)؛ «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آن‌ها آماده سازید و اسب‌های ورزیده تا به‌وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.»

باید برای ایجاد ترس در دشمن، فرد رجزخوان انسان شجاعی باشد؛ زیرا وقتی در رجزها، صلابت و شجاعت دیده شود نشان از ترسیدن و قدرت روحی در افراد دارد. ترس، به‌دنبال خود، خودباختگی دارد که ریشهٔ تزلزل عقیدتی و تغییر رفتاری است. برای ایجاد ترس در دشمن، تقویت ایمان لازم است. با استفاده از نوع آهنگ و مفاهیم به‌کاررفته در رجزها می‌توان با ایجاد جنگ روانی در دل دشمنان اسلام تزلزل و ضعف ایجاد کرد. در این صورت فرد مؤمن در هر زمانی با شجاعت خود در دل دشمنان رعب ایجاد می‌کند و حتی شنیدن نام او می‌تواند موجب گریختن دشمن از میدان باشد. از موارد ایجاد ترس در دشمن در خطبهٔ امام حسین (علیه‌السلام) قبل از آغاز جنگ است که بعد حمد الهی این‌گونه هشدار می‌دهند: «نابود باد ای جمعیت و همواره قرین رنج و اندوه! [...] هلا!

[وای‌ها بر شما] ما را رها کردید! [...] دور باشید ای بندگان کنیزک و بَدان احزاب و رانندگان کتاب و تحریفگران سخن و جرثومه‌های گناه! (ابن طاووس، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

در اولین خطبه، هشدارهای بسیاری دیده می‌شود تا در دل‌های دشمنان ایجاد رعب کرده و موجب آگاهی و پشیمانی آنان شود. نوع ترساندن این رجزها در الگوگیری بر محور قوّت دینی و اتصال به مبدأ است؛ برخلاف رجزهای معمول عرب که بیشتر بر اساس ترس خودمحورانه بود. این گونه رجزها در کلام یاران امام حسین علیه السلام نمونه‌های زیادی دارد که در آن معرفی خود به جنگ‌آوری با صبغة ادبیاتی بر اساس آموزه‌های دینی است؛ مانند رجزی که از غلام ترکی نقل شده است:

«الْبَحْرُ مِنْ طَعْنِي وَ صَرْبِي يَصْطَلِي إِذَا حُسَامِي عَنْ يَمِينِي يَنْجَلِي
وَ الْجَوْ مِنْ تَلِي وَ سَهْمِي يَمْتَلِي يَنْشُقُّ قَلْبُ الْحَاسِدِ الْمَبْجَلِ»
(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۰۴)؛

دریا از ضربه‌های نیزه و چکاچک شمشیرم شعله می‌گیرد و آسمان از تیرهایم پر می‌شود. آنگاه تیغ عریان شمشیر از کوه دستانم درخشش بگیرد، قلب‌های بخیلان و حاسدان را می‌شکافد.

کلمات رجز و وزن آن‌ها نمونه بارزی از تهدید دشمن در کلماتی کوتاه و سنگین است که می‌توان از آن‌ها درس بی‌باکی و مقابله قدرتمندانه با دشمن را آموخت. این گونه رجزها از یاران امام حسین علیه السلام بیشتر همراه با صبغة اخلاقی است؛ هرچند جنگ‌های امروز، همانند گذشته به صورت رُودرُو نیست؛ ولی رجزخوانی در اشکال مختلف وجود دارد که می‌تواند برای ایجاد ترس در دل دشمنان همراه با آموزه‌های اخلاقی باشد؛ چنان که در دفاع مقدس هشت ساله ایران نیز نمونه‌های زیادی از این گونه رجزها وجود دارند که با صبغة ایمانی موجب هراس در دشمنان از رزمندگان اسلام بود؛ همان مؤمنانی که در سخت‌ترین شرایط جنگی از یاری برادران و رعایت حقوق الهی غفلت نداشتند و خدا در قرآن به این صفت مؤمنان با برادران اشاره دارد: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح، ۲۲)؛ «محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و یاران و همراهانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربان‌اند.»

در مقابل دشمنان، در رجزها نیز باید صلابت همراه با متانت دینی باشد تا موجب وحشت در صفوف دشمن شود؛ چنان که در رجزهای وهب بن عبدالله بن حباب، ایجاد ترس بدون توهین و با ادبیات اخلاقی آمده است:

«إن تنكروني فأنا ابن الكلب سوف تروني و ترون ضربی
و حملتی و صولتی فی الحرب أدرك تأری بعد تأر صحبی
و أذفع الكرب أمام الكرب ليس جهادی فی الوغی باللعب»
(مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۱۶)؛

اگر مرا نمی شناسید من پسر کلب هستم. به زودی مرا و ضربت شمشیرم را خواهید دید. شما به زودی با حملات و غلبه من آشنا خواهید شد؛ من انتقام خون خودم و یارانم را خواهم گرفت. پیوسته با کشتن شما غم و غصه را زایل می کنم که جهاد من در میدان جنگ بازی کودکانه نیست.

یحیی بن سلیم مازنی نیز به همین سبک رجز می خواند:

«لأضربن القوم ضرباً فیصلاً ضرباً شديداً فی العدة معجلاً
لأعجزا فیها و لامولیا و لأخاف اليوم موتاً مقبلاً
لكننی كاللیث أحمی أشبلاً» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۲)؛

این قوم را ضرباتی جداکننده خواهد زد؛ ضرباتی شدید که به شتاب بر دشمنان وارد می شوند؛ نه در آن ناتوان باشم و نه سستی کننده و نه امروز از مرگی در حال آمدن می ترسم؛ ولی همچون شیر هستم که از شیربچگانش حمایت کند.

در این مورد، گونه خاصی از رجزخوانی با ترساندن دشمن همراه با وصف حکایت ترسیدن از مرگ است که ریشه در آموزه های دینی دارد.

قره بن ابی قره غفاری نیز رجزی در همین سبک دارد:

«قد علمت حقاً بنو غفار و خندف بعد بنی نزار
بأنی اللیث لدی الغیار لأضربن معشر الفجار

بكل غضب ذكر بتار ضربا وجيعا عن بنی الأخیار

رھط النبی السادة الأبرار» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۲)؛

قبیلہ غفار و خندف و نزار باور دارند کہ من هنگام جنگ شیری ہستم کہ با شمشیر برآن، برای دفاع از خاندان نبوت، گنہکاران را ضربت سخت می زنم.

در این رجز، ترسیدن ناشی از باور بہ نبوت و ضرورت دفاع از حریم بیان شدہ است و دلیل لازم در مقابلہ با دشمنان را با ذکر انکار نبوت بیان می کند. رجزہای یاران امام علیہ السلام در عاشورا، مصداق کاملی از الگوپذیری از آموزہ های قرآن در جنگ است. رجزخوانی مجاہدان با الگوبرداری از سبک حماسی عاشورا بر اساس آموزہ های دین است کہ در دل دشمنان اسلام ترس می اندازد.

۲،۲. رجزہای حماسی عاشورا در معرفی خود و برحق بودن رہبر

اولین و بیشترین کاربرد رجز در میدان جنگ معرفی فرد سلحشور بہ دشمنان است کہ معمولاً با ستایش و تشبیہ همراه است (موسوی، ۱۳۹۶: ۱۶۵). در بسیاری از رجزہا، رجزخوان ها بہ معرفی خود و خاندان و رہبر خود می پردازند تا از این طریق بر دلاوری های خود تأکید کردہ و همچنین با بیان گذشتہ خود مسیر زندگی خود را نشان دهند تا حق بودن خود را با تأکید بر گذشتہ پرافتخار خود تأیید کنند. این نوع رجزها بہ خصوص از یاران امام حسین علیہ السلام کہ از ہرگونہ کذب بہ دور ہستند موجب شناخت مناسب ویژگی های شخصیتی آن ہاست کہ می تواند چگونگی رسیدن بہ مراتب بلند شہادت در رکاب امام زمان را بیان کند. آنچه در رجز عون بن عبد اللہ بن جعفر در معرفی خود آمدہ است نیز الگویی تربیتی در نقش خصوصیت اخلاقی پدر در فرزند بہ عنوان اسوہ اشارہ دارد:

«إن تنکرونی فأنا ابن جعفر شہید صدق فی الجنان أھر

یطیر فیہا بجناح أخضر کفی بہذا شرفا فی المحشر»

(مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۳۴)؛

اگر مرا نمی‌شناسید؛ پس من پسر جعفر، شهیدی راستین در بهشت تابان هستم! او در آنجا با بالی سبزقام پرواز می‌کند. در محشر همین شرافت او را بس است!

معرفی رهبر هم یکی دیگر از علل روشن کردن خط‌مشی اصلی رزمنده است تا با معرفی و اثبات برحق بودن پیشوای خود، علاوه بر دفاع لفظی از آرمان سپاه، زمینه آگاهی افراد در پیروی از رهبر حق را فراهم آورد. نمونه آن در رجزهای جعفر بن علی مشهود است:

«إِنِّي أَنَا جَعْفَرٌ ذُو الْمَعَالِي ابْنُ عَلِيٍّ الْخَيْرِ ذُو النَّوَالِ

ذَاكَ الْوَصِيِّ ذُو السَّنَا وَالْوَالِي حَسْبِي بِعَمِّي جَعْفَرٍ وَالْخَالِ

أَحْمَى حُسَيْنًا ذَا النَّدَى الْمُفْضَالَ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۰۷)؛

منم آن جعفر سترگ، فرزند علی، مظهر نیکی و بخشش که وصایت و ولایت از آن او بود. عمو و دایی‌ام در شناخت شرفم کافی هستند. من از حسین حمایت می‌کنم که مشهور به فضیلت و نیکی است.

در رجزهای جناب جعفر، می‌توان معرفی خود و نسب را به‌وضوح دید که از بزرگی خانواده یاد کرده و با شمردن فضایل رهبر، پیروی خود را از همان بزرگان اعلام می‌دارد؛ زیرا یک راه شناخت افراد در شناخت کسی است که از آن پیروی می‌کند؛ چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره، ۲۵۷)؛ «خدا یار اهل ایمان است که آنان را از تاریکی‌های جهل بیرون آورد و به عالم نور برد و آنان که راه کفر گزیدند، یار ایشان شیاطین‌اند.»

مؤمنان از خداوند پیروی می‌کنند و کافران پیرو طاغوت‌اند؛ به‌بیان دیگر از طریق پیشوای هر شخص می‌توان به درستی یا نادرستی او پی برد؛ بنابراین تلاش برای بیان صفات رهبر و اثبات حق بودن او از جمله درس‌هایی است که می‌توان از این گونه رجزهای حماسی در عاشورا الگوبرداری کرد. پیروی از ولایت و خط رهبر یکی دیگر از سرمشق‌هایی است که از عاشورا برای تمام دوران به یادگار باقی مانده است تا عاشورائیان برای هر انسان آزاده‌ای نمونه باشند. در رجزهای جوانان کربلا از جمله عمرو بن جناده آمده است:

«امیری حسین و نعم الأمير
 سرور فؤاد البشیر النذیر
 علی و فاطمة والداه
 فهل تعلمون له من نظیر
 له طلعة مثل شمس الضحی
 له غرة مثل بدر منیر»
 (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۷)؛

امیر من حسین علیه السلام است و چه نیکو امیری که شادی دل پیامبر بشیر و نذیر صلی الله علیه و آله است. علی و فاطمه علیهما السلام پدر و مادر اویند. آیا شما برای او همانندی می شناسید؟! طلعتش، مانند خورشید نیمروز است و چهره اش همچون ماه شب چهارده درخشان است.

یکی دیگر از ویژگی ها برای الگوپذیری در رجزها، معرفی امام حق و پیروی از رهبری محق است. این گونه رجزها به جوانان می آموزند که باید در پی امام حق باشند و این شرط برای رسیدن به قرب خدا لازم است. زهیرین قین نیز این گونه رجز می خواند:

«أنا زهير و أنا ابن القين أذودكم بالسيف عن حسين
 إنَّ حسيناً أحد السبطين من عترة البر التقى الزين
 ذاك رسول الله غير المين أضربكم ولأرى من شين

یا لیت نفسی قسمت قسمین» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۵)؛

من زهیر پسر قین هستم. با شمشیر خود از حریم حسین علیه السلام دفاع می کنم. حسین علیه السلام یکی از دو نواده رسول خداست؛ از خاندانی که نیکی و تقوا زینت آنهاست و اکنون او فرستاده پاک خدا از دو نسل نبوی صلی الله علیه و آله است و من شما را می کشم و عیب نمی دانم.

برای جنگیدن، شناخت رهبر امری لازم است که باید برای الگوگیری مدنظر قرار گیرد تا راه از بیراهه شناخته شود؛ پس در الگوگیری باید به صفات رهبر و برحق بودن او توجه داشت. همچنین دفاع از رهبر راستین حتی در شرایط جنگ هم رها نمی شود.

۳،۲. رجزهای حماسی عاشورا در بیان عقیده و هدف

یکی از کاربردهای رجزخوانی، بیان عقیده و هدفی است که فرد سلحشور به خاطر آن می جنگد. محکمی عقیده، بیشتر از نموده های رفتاری و گفتاری پایداری در میدان نبرد

پدیدار می‌شود. یک راه بیان عقیده در مقابله با دشمن رجزخوانی است؛ چنان‌که حدود ۴۱ مورد از رجزهای عاشورا در بیان حقیقت دین بود (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۶: ۱۷۱). از آنجا که بیان عقیده برای مخاطب‌های گوناگون متفاوت است نوع بیان رجزها هم به صورت متفاوت است؛ از آگاهی‌دادن در فرد جاهل تا شکل برهانی برای دشمنان. به طور کلی رجز برای شرایط جنگ بهتر و در روشن شدن حقایق و اثرگذاری مناسب‌تر است؛ علت آن را باید در ایجاد حالت تفکر در طرف مقابل دانست. این گونه رجزها آینده را در پیش روی مخاطب ترسیم می‌کند تا به عواقب کار بیندیشد و در حق بودن دو لشکر تفکر کند؛ نمونه آن را می‌توان در رجزهایی دید که شهادت در آن‌ها به عنوان سعادت معرفی شده است؛ مانند رجز خالد بن عمر بن خالد صیداوی که بعد از شهادت پدرخوانده شد:

«صَبْرًا عَلَى الْمَوْتِ بَنَى قَحْطَانَ کِیْمَا تُکُونُوا فِي رِضَى الرَّحْمَنِ
ذِي الْمَجْدِ وَالْعِزَّةِ وَالْبُرْهَانِ وَ ذُو الْعُلَى وَالطَّوْلِ وَالْإِحْسَانِ
يَا أَبَتَا قَدْ صِرْتَ فِي الْجَنَانِ فِي قَصْرِ دُرِّ حَسَنِ الْبُنْيَانِ»

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ۱۱۱)؛

ای فرزندان قحطان، بر مرگ عزیزان صبوری کنید تا به رضایت خدای رحمان نائل شوید؛ خدایی که بزرگی، عزت، توانایی و احسان از اوست. پدرم، تو راهی بهشت شدی و در قصری نیک پر از مروارید مسکن گزیدی.

این گونه سخن گفتن در میدان نبرد موجب اطمینان هم‌زمان و تردید دشمنان می‌شود؛ علاوه بر آن الگویی از عاقبت‌اندیشی را ارائه می‌دهد تا انسان فقط به ظواهر اتفاقات نگاه نکند؛ بلکه آینده افراد و عاقبت کار را ببیند؛ چرا که این وعده غیبی الهی است که آینده از آن پرهیزکاران است^۱ و شکست ظاهری، ملاک پیروزشدن نیست؛ بلکه الگودهی برای این امر است که پیروزی حقیقی در توجه به آخرت است.

۱. «تِلْكَ مِنْ أَثْنَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ»؛

«این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم و پیش از آنکه ما به تو وحی کنیم تو و قومت هیچ از آن آگاه

نبودید؛ پس تو در طاعت حق، راه صبر پیش گیر که عاقبت نیکو برای اهل تقواست.» (هود، ۴۹).

در رجز نافع بن هلال بعد از نبردی سخت آمده است:

«أنا الغلام اليمنى البجلي دینی علی دین الحسین بن علی

أن أقتل اليوم فهذا أملی فذاک رأی و ألقى عملی»

(مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۷)؛

من غلام یمنی و از قبیله بجلی هستم. دین من همان دین حسین بن علی علیه السلام است. اگر امروز به شهادت برسم این نهایت آرزوی من است و این شهادت هدف من است و من به پاداش عمل خودم می رسم.

در رجز بریر بن خضیر همدانی نیز وارد شده است:

«أنا بریر و أبی خضیر لیث یروع الأسد عند الزثر

یعرف فینا الخیر أهل الخیر أضربکم و لأری من ضیر

کذاک فعل الخیر من بریر» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۱۵)؛

من بریر، فرزند خضیرم. شیر به هنگام غرش از کسی نمی ترسد. اهل خیر از خیرخواهی ما آگاه اند. من شما را می زنم و از این کار زیان نمی بینم. این کار آزادمردان است که از بریر سر می زند.

انسان های آزاده تنها به پیروزی در دنیا و لذت های زودگذر آن فکر نمی کنند. درس و الگوی بزرگی که باید از سخنان روز عاشورا گرفت آخرتی دیدن و برگزیدن آن بر دنیا با محوریت خدا باوری است.

۴،۲. رجزهای حماسی عاشورا در افشاگری از پلیدی و نادرستی عقیده

افشاگری ماهیت دشمن برای ایجاد شناخت در افراد حاضر یا آیندگان برای دریافت حقیقت از مسائل اساسی است. یاران امام حسین علیه السلام حتی در حساس ترین شرایط نیز دست از معرفی ماهیت دشمن و مبارزه عقیدتی برنداشتند. محمد بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب می خواند:

«نشکو إلى الله من العدوان قتال قوم فی الردی عمیان

و أظهروا الکفر مع الطغیان» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۳۴)؛

از ستم به ما، به خدا شکایت می کنم؛ از کار گروهی کور و پست و تغییردهنده تعالیم قرآن و آیات محکم نازل شده و همچنین آشکارکننده کفرها با طغیان.

این رجزها به عقیده باطل دشمنان در تغییر تعالیم قرآن و انحراف دشمنان به دلیل نداشتن فهم درست از دستورات اشاره دارد. امری که برای همه زمانها مصداق دارد؛ پس باید برای هدایت به دنبال آیات محکم بود.

حبیب بن مظاهر اُسدی می گوید:

«أنا حبیب و أبی مظاهر فارس هیجاء و حرب تسعر

و أنتم عند العدید اکثر و نحن أعلی حجة و أظهر

و أنتم عند الوفاء أغدر و نحن أوفی منکم و أصر

حقاً و أنمی منکم و أعذر» (مجلسی، بی تا: ج ۴۵، ۲۶)؛

من حبیبم و پدرم مظاهر است؛ جنگاور میدان کارزار و آتش شعله ور نبردم. تعداد شما بیشتر و بالاتر است؛ ولی ما در راه حق از شما وفادارتر و بردبارتریم. حجتمان برتر و آشکارتر است؛ در حقیقت از شما باتقواتر و پذیرفته تریم.

در این نوع از رجزها روش تبیین حقایق در عقاید بیان شده است. اگر کسی به دنبال حقیقت در هر زمانی است باید در مناظرات به دنبال دلیل آشکار باشد و درواقع در مبارزات، تقوا ملاک است و پیروی از اکثریت دلیلی بر حقانیت نیست؛ به این ترتیب در مبارزات باید ملاک حق دلیل باشد؛ درسی که از رجزهای عاشورا برای همه عصرها قابل برداشت است.

نتیجه گیری

روش الگویی یکی از روشهای تاثیرگذار تربیتی است که در اسلام به آن توجه شده است. بسیاری از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام در جهت الگودهی یا بیان تأثیرپذیری

از الگوهاست. یکی از بهترین نمونه‌ها برای الگوپذیری حماسی، واقعه‌ عاشورا است که نمود بارز آن در رجزهای امام حسین (علیه السلام) و یاران ایشان در روز عاشورا است.

عمده‌ بیانات حماسی یاران امام حسین (علیه السلام) در جهت الگوپذیری از رجزخوانی‌های عاشورا در محور معرفی خود و رهبر در جهت آگاه‌سازی برحق‌بودن، ایجاد ترس در دل دشمنان، تضعیف روحیهٔ مخالفان و تقویت روحیه در جبههٔ خودی است. از موارد نوآورانهٔ رجزهای عاشورا، می‌توان به استفادهٔ کاربردی از رجزها در تبلیغ دین با بیان عقیده و هدف زندگی و بیان عاقبت کار و افشاگری فساد عقیدهٔ دشمن برای تبیین ارزش‌های دینی اسلام اشاره کرد. محورهایی که همانند ارزش‌های اصولی در همهٔ دوران‌ها امکان الگوبرداری و روزآمدی در قالب نو از ابزارهای جدید را دارند و می‌توانند در جنگ‌های سخت و نرم امروز نیز مورد استفاده قرار گیرند.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۲، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، ۱۳۷۹ق، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم: علامه.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۸۰، لهوف، ترجمه میرابوطالبی، قم: دلیل ما.
۵. اکبری، محمود، ۱۳۹۰، مذهب گرای و مذهب گریزی جوانان، قم: فتیان.
۶. الهامی نیا، علی اصغر، بی تا، تبلیغ در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
۷. امیری خراسانی، احمد و عصمت اکرمی نیا، بهار و تابستان ۱۳۹۶، «جایگاه رجز در شعر دفاع مقدس»، ادبیات پایداری، س ۹، ش ۱۶، ص ۲۱ تا ۴۰.
۸. امینی، ابراهیم، ۱۳۸۷، اسلام و تعلیم و تربیت، چ ۳، قم: بوستان کتاب.
۹. انوری، حسن، ۱۳۸۲، فرهنگ بزرگ سخن، چ ۲، تهران: سخن.
۱۰. بستانی، فؤاد افرام، ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، چ ۲، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۱. بصیری، محمد صادق و معصومه یحیی زاده مقنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، «تصویر آب در رجز آینه داران کربلا»، ادبیات پایداری، س ۸، ش ۱۵، ص ۸۱ تا ۱۰۲.
۱۲. حاتم پور، شبنم و حسن خاطره پور، بهار و تابستان ۱۳۹۷، «بررسی تأثیر شعر بر کاهش افسردگی و افزایش خوش بینی»، زبان و ادبیات فارسی، س ۲۶، ش ۸۴، ص ۵۱ تا ۷۳.
۱۳. حسینی، سید معصوم و دیگران، اسفند ۱۳۹۷، «بررسی ساختار موسیقایی سوره مبارکه العادیات»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، س ۷، ش ۲، ص ۱۰۰ تا ۱۱۷.
۱۴. حمیری، نشوان بن سعید، ۱۴۲۰، شمس العلوم، به تحقیق مطهر بن علی اریانی و دیگران، دمشق: دار الفکر.

۱۵. داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد، ۱۳۸۷، عاشورا، ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، چ ۵، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۱۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت‌نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم - الدار الشامیه.
۱۸. زارع، غلامعلی و ربیع رضوی، بهار و تابستان ۱۳۹۰، «کارکرد حماسه در دوران معاصر»، ادبیات پایداری، س ۳، ش ۵، ص ۱۶۳ تا ۱۸۴.
۱۹. سلیمانی دره باغی، فاطمه، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، «شعر از نگاه ابن سینا و نقش آن در فرهنگ سازی»، حکمت سینوی، س ۱۹، ش ۵۴، ص ۶۱ تا ۷۸.
۲۰. سیدی، حسین و هوشنگ استادی، زمستان ۱۳۸۸، «تجلی عاشورا و انقلاب حسینی در شعر شیعه»، شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۸، ص ۱۴۹ تا ۱۸۲.
۲۱. شجاعی، مهدی، ۱۳۸۸، مردان و رجزهایشان، چ ۶، تهران: نیستان.
۲۲. صالحی مازندرانی، محمدرضا و رضا گورویی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، «بازتاب تأثیر موسیقی واژگان در ایجاد فضای حماسی در بروزنه»، علوم ادبی، س ۹، ش ۱۶، ص ۲۰۷ تا ۲۳۲.
۲۳. عباسی مقدم، مصطفی، ۱۳۷۱، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. عمید، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ عمید، چ ۸، تهران: امیرکبیر.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت.
۲۶. فلاح رفیع، علی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، «روش‌شناسی الگو در انتقال ارزش‌ها»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، س ۴، ش ۲، ص ۳۳ تا ۵۷.
۲۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، به تحقیق عبدالزهرء علوی و محمدباقر محمودی، بیروت: دار احیاء التراث

۲۸. محدثی، جواد، ۱۳۷۴، فرهنگ عاشورا، قم: معروف.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. __، ۱۳۸۵، یکصدوده سرمشق از سخنان حضرت علی علیه السلام، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۳۱. موسوی گرمارودی، مرتضی، پاییز ۱۳۹۶، «نگاهی به رجزهای اصحاب عاشورا و اهداف آنها»، سفینه، س ۱۴، ش ۵۶، ص ۱۴۶ تا ۱۸۸.
۳۲. میر ابوالقاسمی، محمدتقی، بی تا، نقش الگوها در تربیت، تهران: بعثت.
۳۳. نایینی، علی محمد و علی فلاح پور، ۱۳۹۳، بررسی نقش نوحه ها و اشعار حماسی بر روحیه و انگیزه رزمندگان در دفاع مقدس، موزه دفاع مقدس و ترویج فرهنگ مقاومت.
۳۴. وحیدی فردوسی، علی و محسن الویری، پاییز ۱۳۹۵، «تحلیل کارکرد ارتباطی رجزهای یاران امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، س ۱۷، ش ۳۵، ص ۱۶۷ تا ۱۹۰.

